

نگاهی به نمایش پنجره فولاد به کارگردانی سیدجواد هاشمی : اشکها و لبخندها



- نمایش پنجره فولاد
- نویسنده: مهدی متوسلی
- کارگردان: سیدجواد هاشمی
- بازیگران: اکبر عبدی، محمود فرهنگ، محمود راسخ فر، عطیه غبیشاوی و...
- خلاصه داستان: «اکبر» رزمنده جانباز اردبیلی برای بهبود حالش به آسایشگاهی در مشهد اعزام شده است. مدیران آسایشگاه در پی برهم خوردن حال او و به گمان آنکه اکبر مرده است وی را برای تشییع جنازه آماده می کنند. اما اکبر جلو پنجره فولاد حرم امام رضا(ع) بهوش می آید...
- نمایش مذهبی یکی از مهمترین گونه های نمایشی است که حتی پیدایش هنر تئاتر را نیز باید در نتیجه این نوع از کار مورد بررسی قرار داد. اما چگونگی تولید و ارائه آثاری از این گونه، که بتوانند مخاطبان را با خود درگیر ساخته و آنها را مجذوب کار سازند، مسأله مهمتری است که منتقدان و صاحب نظران تئاتر همواره در مورد آن بحث داشته اند. برخی معتقدند که آثار مذهبی تولید شده در کشور ما جزو پرمخاطب ترین آثار نمایشی هستند و تعداد بسیار زیادی از مخاطبان عام را به سالنهای تئاتر می کشانند.
- برعکس عده ای نیز می گویند که تئاتر مذهبی در ایران درگیر یک سری اصول از پیش تعیین شده و کلیشه های خشک مرسوم است و از این جهت در برقراری ارتباط با مخاطبانش دچار اشکال می شود. با این وجود **به نظر می رسد که «پنجره فولاد» در میان آثار گونه «مذهبی» نمایش متفاوتی باشد.** سید جواد هاشمی در این نمایش به شکل قابل توجهی از توانایی های کمیک یک داستان ساده و نیمه مستند استفاده می کند. او تماشاگرش را با شادی و خنده وارد فضای معنوی حرم مطهر امام رضا(ع) می کند و به آسانی با این فضا درگیر می سازد. بنابراین می توان گفت که او از این شگرد برای فرا رفتن از کلیشه های مرسوم استفاده می کند و در ادامه می تواند داستان را آن گونه که می خواهد به پایان برساند و به هدف مذهبی و دینی اش نیز دست یابد. ماجرای نمایش در روز عاشورای سال ۱۳۷۳ و درست چند ساعت پیش از حادثه بمب گذاری در حرم مطهر امام رضا(ع) اتفاق می افتد. اکبر- جانباز بستری شده در آسایشگاه - از دست مسؤولان آسایشگاه به پنجره فولادی حرم امام رضا(ع) پناه آورده و کمی آن طرف تر «عنایت»- نوجوان معلول- همراه با مادرش در انتظار شفا گرفتن هستند. ضد قهرمانان (که البته با توجه به کمیدی بودن اثر، زیاد هم مثل ضد قهرمانان نیستند) تنها کسانی هستند که از بیرون وارد صحن حرم می شوند و دائم در رفت و آمدند. همان طور که ذکر شد «پنجره فولاد» یک کمدی مذهبی است. سیدجواد هاشمی در مقام کارگردان و مهدی متوسلی به عنوان نویسنده به خوبی توانسته اند مضمون مذهبی نمایششان را در قالب ساختاری کمیک ارائه کنند و از این بابت توانسته اند یک نمایش جذاب و در عین حال تأثیرگذار را بر روی صحنه ببرند.
- کمدی «پنجره فولاد» داستان را آغاز می کند، آن را در فضای خاص اش گسترش می دهد و می پروراند و تماشاگر را با فضا و شخصیتها آشنا و مأنوس می کند. این مهمترین کمک ژانر به نمایش است؛ تماشاگر مجذوب نمایش شده است!
- حالا هاشمی براحتی می تواند زمینه های طرح گسترده تر داستان و مضمون مذهبی اش را ایجاد کند؛ ایمان قلبی مادر عنایت به شفا یافتن پسرش، اخلاص خادم حرم و خدمت در ظهر عاشورا، نزدیکی اکبر به امام(ع) و... این مقدمات رفته رفته مضامین مذهبی را در نمایش به گونه ای برجسته تر و محوری تر، بر کمدی ارجحیت می بخشند.

- نقطه اوج این داستان هم صحبت کردن امام رضا(ع) در میان مه و در ذهن مادر عنایت است که با انفجار در حرم امام رضا(ع) به نتیجه گیری و پایان غافلگیرکننده اش نزدیک می شود.
- بر این اساس «پنجره فولاد» به واسطه تلفیق مناسب کمدی (ژانر) و مذهب (مضمون) نمایش موفقی است و دست کم در میان آثار مشابه مذهبی به گونه ای متفاوت با تماشاگر ارتباط برقرار می کند.
- اما علیرغم همه ویژگی های ساختاری و محتوایی نمایش عنصر مهم دیگری که علاقه مندی بیشتر مخاطبان را نسبت به نمایش سیدجواد هاشمی برمی انگیزد، حضور «اکبر عبدی» در نقش شخصیت محوری داستان است.
- عبدی در نمایش هاشمی یک وزنه مؤثر و سنگین است که بخش اعظم محبوبیت و جذابیت نمایش را باید به حضور او در آن نسبت داد و با شوخی ها و متلک هایی که بعضاً بداهه اند، تماشاگر را می خنداند و با شهرت و محبوبیتش آنها را به سینماها می کشاند. این بازیگر کهنه کار سینما، تلویزیون و تئاتر در «پنجره فولاد» همان کاری را می کند که در "اخراجی ها" انجام داده است و البته خیلی هم بیشتر از این!
- عبدی، در «پنجره فولاد» مهمترین عامل موفقیت است.
- **نمایش هاشمی را باید یک کار موفق و خوب مذهبی دانست که در اولین گروه نمایش های سال ۸۶ به خوبی با تماشاگران پرتعدادش ارتباط برقرار کرده است.**

تاریخ درج : ۸۷/۳/۱۱

شماره : ۱۲۷

منبع : qudsdaily.com